

نامه منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی به آیت‌الله حاج‌آقا حسین خادمی اصفهانی

● براتعلی طبرزدی

۲۱۳

سیدمحمدرضا سعیدی، دوم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ هجری شمسی در منطقه «نوغان» مشهد، در خانواده‌ای اهل علم دیده به جهان گشود. دروس ابتدایی را نزد پدرش سیداحمد آموخت و در دوران نوجوانی به لباس روحانیت درآمد. او منطق و اصول را نزد عالمانی چون ادیب نیشابوری، شیخ‌هاشم و شیخ‌مجتبی قزوینی فراگرفت. و سپس برای طی مدارج عالی علم دین به شهر قم هجرت کرد و در درس مرجع بزرگ شیعه، آیت‌الله‌العظمی بروجردی شرکت کرد و نیز حدود چهارده سال از محضر امام خمینی و عالمان دیگر کسب فیض نمود.

در ماجرای گرفتاری فدائیان اسلام، او به همراه جمعی از طلاب دست به کار شد و در جهت جلوگیری از اعدام آنان فعالیت کرد. این عده نامه‌ای به زعیم حوزه آیت‌الله بروجردی نوشتند و از او خواستند که شفاعت فدائیان اسلام را کرده و از اعدام آنان جلوگیری نماید.^۱

در سندی به تاریخ ۵ خرداد ۱۳۴۲ نام او در لیست وعاظی است که به گفته ساواک از طرف [امام] خمینی از قم به قطر، کویت، بحرین و پاکستان می‌روند و گزارش دیگری می‌نویسد که سعیدی در ایام عاشورا [۴۲] در کویت علیه دولت ایران سخنانی ایراد نموده است و در پی تبعید خمینی، سیدمحمدرضا سعیدی در نشر اعلامیه‌های اعتراض‌آمیز و ارسال تلگراف به مقامات بالای کشور نقش داشته و در توزیع آنها تلاش می‌نماید.^۲

محسن رفیق‌دوست او و شهیدان مطهری، بهشتی و آیات خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی را

جزء شورای فقهای مؤتلفه برشمرده است.^۳



نامه منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی ...

مسجد موسی بن جعفر (ع) کانون مبارزه

با ورود آیت‌الله سعیدی در سال ۱۳۴۴ به مسجد موسی بن جعفر (ع) در خیابان غیائی، شرق تهران دچار تحولی شگرف شد و نوجوانان و جوانان بسیاری جذب مسجد شدند. امام خمینی در نامه‌ای که در ۱۵ بهمن ۱۳۴۴ از نجف برای آقای سعیدی فرستادند، از هجرت او به تهران ستایش کردند:

... از اینکه به تهران تشریف برده‌اید از جهتی خوشوقت شدم، چون از هر جا بیشتر محتاج به

علمای عاملین دارد. مساعی جمیله جنابعالی مورد تقدیر و تشکر است.^۴

آیت‌الله سعیدی علاوه بر اینکه شبهای جمعه در حضور صدها نفر در مسجد به سخنرانی می‌پرداخت و بی‌پروا از برنامه‌های ضداسلامی رژیم انتقاد می‌کرد، در نشر افکار و اندیشه‌های امام خمینی تلاش بی‌وقفه داشت.

نگرش او به مسائل سیاسی ایران و جهان از همان زاویه‌ای بود که آیت‌الله‌العظمی خمینی به آن توجه داشت. او آمریکا و اسرائیل را دشمنان اصلی اسلام و ایران می‌دانست و چاره اصلی کار را در ریشه‌کن کردن و بریدن پای این دو از منطقه و ایران می‌دانست.^۵

سعیدی، ضمن وعظ به تدریس دروس حوزه نیز می‌پرداخت. از جمله منابع تدریس او تحریرالوسیله و کتاب ولایت فقیه حضرت امام بود. حاصل این درسها، ترجمه بخش «امر به معروف و نهی از منکر» کتاب بود که بعداً به رساله عملیه امام ملحق شد.

۲۱۵

تشکیل کلاس برای بانوان

سعیدی از نخستین کسانی بود که در آن زمان به تعلیم و تربیت بانوان و آشنا کردن آنان با احکام اسلامی مبادرت ورزید. این اقدامات در شرایطی صورت می‌گرفت که تمام تلاش رژیم شاه در جهت تبلیغ ابتذال فرهنگی غرب و کشاندن زنان به فساد و تباهی بود. «ما ۱۶ زن بودیم که خدمت ایشان تحصیل می‌کردیم»^۶

آشوب طلب نیستم

در تاریخ ۴۵/۲/۲۹ یکی از مأموران ساواک با مراجعه به منزل آیت‌الله سعیدی به او هشدار داد مراقب گفتار و رفتار خود باشد. اما ایشان در پاسخ اظهار داشت:

من شخصی هستم مستقل و از کسی تبعیت نمی‌کنم و تحت تأثیر هم قرار نمی‌گیرم. البته آدمی ماجراجو و آشوب طلب نیستم، ولی معتقدم که آیت‌الله خمینی یک روحانی واقعی شریف، پاک و صحیح‌العمل و قابل احترام می‌باشد و از مقام و شخصیت ایشان باید در هر محفل

و مجلسی تقدیر و تمجید نمود. من از دستگاه و دولت صحبت نمی‌کنم، اما ناچارم از طبقه روحانیت تجلیل به عمل آورم.^۷

سعیدی در تاریخ ۴۵/۵/۸ به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی مملکت» از طریق شهربانی دستگیر و به زندان قزل‌قلعه منتقل شد. دادگاه نظامی، او را به دو ماه زندان محکوم کرد و پس از ۶۷ روز از زندان آزاد شد. پس از آزادی اخطارهای مکرر مأموران ساواک و شهربانی تا آنجا ادامه یافت که شخص سپهبد نصیری رئیس ساواک در نامه‌ای به شهربانی کل کشور تأکید کرد: نامبرده بالا، کماکان به همان رویه ناصواب گذشته و بلکه حادثر ادامه داده و مرتباً در منابر خود سخنان تحریک‌آمیز و اغواکننده بیان می‌دارد... ادامه چنین وضعی به مصلحت نمی‌باشد، خواهشمند است دستور فرمائید به نحو مقتضی از تحریکات مضرة این شخص جلوگیری و نتیجه را به این سازمان اعلام دارند.^۸

شهربانی به استناد همین نامه، آیت‌الله سعیدی را ممنوع‌المنبر و به او اخطار کرد اگر قدم روی منبر بگذارد روانه زندان خواهد شد. او هم چاره را در این دید که به روی منبر نرود؛ اما در حال ایستاده و نشسته به سخنرانی پردازد.

شخصیت سعیدی

ابعاد شخصیتی سعیدی با توجه به معاشرت او با بسیاری از علما و بزرگان دین و شخصیت‌های سیاسی مبارز بسیار مورد ستایش قرار گرفته است: «سعیدی هم انسان جدی و هم سختکوش، شوخ طبع و ملایم بود.»^۹

سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران

روز هفتم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ در روزنامه‌های ایران اعلام شد، راکفلر و لیلیاتال به منظور بررسی امکانات سرمایه‌گذاری در ایران به اتفاق بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران آمریکا به تهران می‌آیند. سرمایه‌گذاری در رشته‌های تورسیم، منابع جنگلی، کشت و صنعت، ایجاد شبکه توزیع و صناعی مانند پتروشیمی، موضوع کنفرانس بود که ۳۵ سرمایه‌گذار آمریکایی در آن شرکت می‌کردند. هجوم سرمایه‌داران آمریکایی در اردیبهشت ۴۹ به ایران، به حدی گسترده و سنگین بود که استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را به کلی در معرض سقوط و نابودی قرار می‌داد. روحانیت، به ویژه حوزه علمیه قم با آگاهی از موضوع بی‌درنگ نشست فوق‌العاده‌ای تشکیل داد و به ارزیابی ماجرا پرداخت و پس از آن، اعلامیه تاریخی حوزه علمیه قم انتشار یافت و افکار ملت ایران را به خطری که به اسم سرمایه‌گذاری خارجی، همراه با تبلیغات فریبنده هجوم آورده بود، جلب نمود.

نامه منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی ...

آیت‌الله سعیدی علاوه بر اینکه در تهیه و توزیع این اعلامیه تاریخی، نقش اصلی را داشت، سخنان تندی نیز به مناسبت ورود سرمایه‌گذاران خارجی در مسجد امام موسی بن جعفر (ع) ایراد کرد:

... یکی از گفتنی‌ها که این روز سر و صدای آن همه مملکت را پر کرده و جراید هم نوشته‌اند این است که ۳۵ نفر از آمریکاییان به ایران آمده تا در این مملکت سرمایه‌گذاری کنند. آیا می‌دانید که استعمارگران و یارانشان چه تصمیماتی دارند و چه ظلم‌هایی خواهند کرد؟ آخر من با این وضع در این پست حساس چه کنم؟...^{۱۰}

سعیدی ورود سرمایه‌گذاران آمریکایی را خیانتی بزرگتر از کاپیتولاسیون و قراردادی استعماری‌تر از تنباکو می‌دانست، لذا در نامه‌ای به زبان عربی به علما و مراجع وقت یادآور شد:

... چقدر جای تعجب است که شما پیشوایان دینی در مقابل این خطر بزرگ سکوت اختیار کرده و برای جلوگیری از آن اقدامی نمی‌کنید.^{۱۱}

آیت‌الله سعیدی از ابتدا خود را برای شهادت در راه اسلام و آرمان‌های امام خمینی آماده کرده بود.

۲۱۷

سخنان تند، نامه‌ها و بیانیه‌های افشاگرانه آیت‌الله سعیدی، رژیم شاه را به وحشت انداخت. ساواک مطمئن بود آیت‌الله سعیدی، علما را به صدور فتوا علیه اینگونه قراردادها راضی خواهد کرد. از این رو تمام نیروهای خود را برای اقدامی غیرانسانی بسیج کرد.

دستگیری و قتل سعیدی

آیت‌الله سعیدی روز ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ پس از اقامه نماز به خانه رفت. ساعت یک بعد از ظهر بود و او برای ناهار و استراحت آماده می‌شد که ساواک به منزلش یورش برد و پس از به هم ریختن اثاثیه خانه و پراکنده کردن کتابها و نوشته‌ها، او را به زندان بردند و در سلول انفرادی تنگ و تاریکی انداختند. ۹ روز او را با شدیدترین وجهی شکنجه کردند و طرح قتل او در شامگاه روز ۲۰ خردادماه ۱۳۴۹ به اجرا درآمد.

بر اساس این طرح، ساواک در گزارش‌هایی متناقض ادعا کرد: «نامبرده در حدود ساعت ۲۱ روز ۴۹/۳/۲۰ با استفاده از خاموشی برق منطقه به وسیله فرونمودن دستمال به حلق خود، خودکشی کرده است.» در گزارش دیگری اعلام کرد: «مرگ او را خونریزی لوزالمعده تشخیص داده‌اند!» و سپهبد مقدم در بخشنامه‌ای به ادارات ساواک مدعی شده است: «بر اثر سگته قلبی در زندان فوت نموده است.» اما برخلاف گزارشهای ضدونقیض ساواک رئیس اداره پزشکی قانونی پس از تشریح و کالبدشکافی اعلام کرد: «مرگ نامبرده شوک ناشی از ضربه به شبکه عصبی خورشیدی

تعیین می‌شود» که ناشی از ضربات متعدد به ناحیه شکم بوده است و موجبات رسوایی ساواک را فراهم نمود.^{۱۲}

رمزگشایی از وصیتنامه سعیدی

در پشت قرآن جیبی شهید سعیدی در زندان، وصیتنامه‌ای به خط او به دست آمد که در آن چنین نوشته بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیتنامه من سیدمحمدرضا سعیدی خراسانی

پسران من همگی اهل علم و تبلیغ برای خدا شوید. دختران من به شوهر اهل علم و تبلیغ همسر شوید.

در زندگی با هم متحد باشید و برای دنیا با هم اختلاف نکنید. همگی حق مادر را رعایت کنید. و جنازه مرا در قم دفن کنید. مرا دعا کنید و سلام مرا به همگی برسانید. دو روز روزه برایم بگیرید. اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۹۰

از آیه ۱۵۲ تا ۱۵۷ از سوره دوم [بقره] غفلت نکنید. کتابهایی که رفقا برده‌اند در کتاب محجة البیضا صورت‌هایش هست. کتابها و نوشتجات مرا به وسیله آقای خزعلی پس بگیرید و به ایشان و آقای مشکینی بگویید از طلب خود مرا حلال کنند. بقیه کتابهای آقای مشکینی را بدهید. بدهی آقای جوادآقا، آقامحمدی را بپردازید؛ ظاهراً ۲۵۰ و اندی تومان است.

مقداری پول در بانک دارم در ته چک نوشته است. می‌توانید به وسیله آقای جعفری خوانساری دریافت دارید و نیز به وسیله ایشان و آقای کثیری، آقای بهاری را ملاقات کنید و خواهش کنید که هر طور هست خانه‌ام را از گرو بانک بیرون آورند. آقای نیکنام و آقای نظری رفیق آقای بهادری از جریان اطلاع دارند.

به هر کسی که می‌خواهد زحمت فاتحه‌خوانی برایم بکشد بگویید در عوض یک مسئله [شرعی] یاد بگیرد و عمل کند و هر کس به من بدهکار است من که صورت ندارم، اگر تا آخر عمرش نتوانست بپردازد، بری‌الذمه است. اوائل ربیع‌الثانی ۱۳۹۰

نکته ظریف و مهم در این وصیت توجه دادن مخاطبان و وصیتنامه به آیات ۱۵۲ تا ۱۵۷ سوره بقره است که سعیدی پیشاپیش خبر شهادت خود را اعلام می‌دارد. در ساواک ذیل وصیت‌نامه در توضیح آیات مورد اشاره می‌نویسد:

... توضیح: آیه ۱۵۲ تا ۱۵۷ مشعر بر این است که در مواقع مصیبت باید به صبر پناه برد و

کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند نباید مرده انگاشت بلکه زنده هستند.^{۱۴}

نامه منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی ...

این وصیتنامه هیچ‌گاه به خانواده شهید سعیدی تحویل نشد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۵ در کتاب «آیت‌الله شهید سعیدی به روایت اسناد ساواک» تصویری از وصیتنامه منتشر شد.

نامه منتشر نشده شهید سعیدی به آیت‌الله خادمی اصفهانی

این نامه بدون تاریخ است؛ ولی محتوای آن مربوط است به ملاقات بعضی از روحانیون اصفهان با شاه، که این ملاقات در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۸ در اصفهان صورت گرفته است. این



آیت‌الله خادمی اصفهانی

ملاقات با ارباب و تهدید انجام شده و از سه تن افراد مورد اشاره آقای سعیدی، دو تن با ارباب و تهدید حاضر به ملاقات شدند. آیت‌الله سعیدی نگرانی خود را از این ملاقات به آیت‌الله خادمی ابراز می‌دارد؛ متن نامه به زبان عربی است و ترجمه آن به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و كفى و الصلوة و السلام على عباده الذين اصطفى

اما بعد؛ به ما خبر رسیده و نزدیک است [از خبری که به ما رسیده] آسمانها فروریزد و زمین

بشکافتد و کوهها متلاشی گردد و نابود شوند.^{۱۵}

مطلع شدیم که سیدخراسانی و شیخ‌اردکانی و زند کرمانی و پیروانشان - العیاذبالله - در

مجلس شوم ثناخوانی [به شاه] - سبحان الله - حاضر شدند آیا ایشان انتظار دارند مردم آنان را آیت الله، حجت الاسلام و غیره خطاب کنند در حالیکه کارشان چنان کار دشمنان خداست. مردم را از کمک به ظالم نهی می کنند و به سخنان امام [کاظم(ع)] به صفوان جمال [طبق آنچه در حافظه ام است] استناد می کنند «که فرمود: آیا تو به استمرار حکومت ظالمانه هارون (لعنه الله) به خاطر رسیدن به مزد و کرایه شترانت راضی هستی؟ صفوان گفت: بلی. لذا امام کار او را تفسیح کرد و او را در زمره کسانی که به پایداری ظالم راضی اند شمرد.»

آنگاه خود در مجلس دعایی حضور می یابند که بنیان آن بر ظلم و ستم استوار است. مردم را در امور مشابه سرزنش می کنند سپس خود به بدترین صورت آن را مرتکب می شوند و می پندارند که مرشد و هادی مردم به راه درست هستند. خود را از بزرگان امت می شمارند و حال آن که اعمالشان کودکانه است که نه ملاک عقلی برای کار خود دارند و نه مستند شرعی و نه عرفی. تا دیروز با طاغوتها می جنگیدند و امروز در حق آنان دعای خیر می کنند و چه بسا (البته خدای موفقتان نکند) فردا دست بوس طاغوت گردند.

آنان را چه شده است؟ (خداوند آنان را به راه صحیح هدایت کند) که فراموش کرده اند چه خونهایی که به خاطر آنها ریخته شد و کسانی که به دستور آنها به حبس کشیده شدند و بدنهایی که در راه آنها شکنجه شدند و پاهایی که غل و زنجیر شدند و اموالی که به غارت رفت و آبروهایی که هتک شد.

آیا این جنایات را فراموش کرده اند؟ یا خود را به فراموشی زده اند. آیا دستورات برآمده از کتاب خدا تغییر کرده است یا سنت رسول الله(ص)؟ آیا آثار ائمه اطهار(ع) کهنه شده است و یا این آقایان شریعت جدیدی آورده اند. پس ایشان و خمینی(س) اهل دو ملت و شریعت هستند. آنها نمی فهمند که این [شرکت در مجلس دعای شاه] موجب وهن شأن آنان است و فرّ و شکوه آنان را می شکنند و جایگاهی برای آنان در دل مردم قرار نمی دهد و دشمن هم از آنان واهمه نخواهد داشت و سفله گان را بر آنان چیره می کند. این حجت بر آنان است.

آنان در روز واپسین در برابر دادخواست خدا و پیامبر چه دلیلی بر این عملکرد خود اقامه خواهند کرد. روزی که شهادت می دهد بر علیه آنان دست و زبان و پایشان که با آن به مجلس دعا رفته اند. «سپس به آنان گفته می شود که بسیار وایلا بگویند»^{۱۶} حوزه علمیه و من از مجاهدان اصفهانی در عجبیم که در صف اول جهاد بودند و اینک در صف اول دعاگویان [شاه] قرار گرفته اند در حالی که این موضوع از هیچ دیار دیگری حتی پایتخت هم شنیده نشده است که امثال چنین شخصیتهایی شرکت کرده باشند تا چه رسد به اینکه جلودار باشند.

مولایمان امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین فرمود: «دو گروه کمر مرا شکستند:

نامه منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی ...

عالمان مهتک (بی‌حیا) و جاهل متنسک (کم‌خرد و لجوج) و البته ما بیزاری شدیدتان را از آنان شنیدیم و امیدواریم همیشه از سوی شما مورد عنایت و تأیید قرار گیریم.»

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

سه‌شنبه نهم جمادی‌الآخری ۱۳۸۹




پانوشتها

- ۱- به نقل از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، کرباسچی، غلامرضا، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ج اول، صص ۳۷۱-۳۷۲.
- ۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، صص ۱-۲.
- ۳- خاطرات رفیق‌دوست، داوود قاسم‌پور، صص ۳۴ و ۳۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- صحیفه امام خمینی، ج ۲، ص ۶۵.
- ۵- اسناد و مدارک و بازجوییها و دیدگاه‌های شهید سعیدی طی مقاله‌ای مستقل در شماره‌های آتی فصلنامه تقدیم خوانندگان خواهد شد. برای شناخت بیشتر این روحانی مبارز رجوع کنید به کتاب: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۶- پیام زن، شم ۱۱، ص ۲۴، به نقل از فریادی در سکوت، ص ۶۰.
- ۷- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۷.
- ۸- همان، ص ۷۷.
- ۹- کرمی‌پور، حمید، خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، صص ۱۳۳-۱۳۱.
- ۱۰- یاران امام... همان، ص ۴۵۵.
- ۱۱- همان، ص ۴۶۲.
- ۱۲- همان، صص ۴۸۰ تا ۴۸۵.
- ۱۳- همان، ص ۴۷۷.
- ۱۴- همان، ص ۵۰۸.
- ۱۵- سوره مریم، آیه ۹۰.
- ۱۶- سوره فرقان، آیه ۱۴.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله وكفى والصدرة والدم على بارة الذي اصطفى
أحمد فقد بلغنا ما كنا نسمو من غير من تشق الذر ونحو الجبال هذا بلغنا ان
والشيخ الدرر كاني والزندهر ما ومن بعد ذلك منهم حضروا - والعيان بالمد - محبب الدنيا ليس هو
اهم يتوقعون قول للناس - آية الله - حجة الله لهم وما الهيا - ويعلمون عمر الله الله
منهون الناس عن معرفة الظالم ويذكرون لهم قول الامامة لصنواج الحال (عليه السلام) في
تجب بقاها دون لمة حتى يعطيك الكرام فقال نعم فاشكره انه ام وعدده في الرضا بتجا
ثم يحضرون مجلس دعا للذي ليس على الظلم والعدوان يستكفرون عن الله ان شاء
ذلك ثم يعقوبون بالسر الفوج وحبسوا انهم لالة الناس ورسودهم الى الصور بحسب
كروا قسرا واعمالهم تشبه اعمال الصغار لا ملك عقل لها ولا لشرع ولا عقول حاربوا
بالدمر ويديعون لهم بالي في اليوم ولعلمهم - لا وقتهم الله - يقولون ايديهم هذا
مالهم - يلام الله الارض - انوار الله التي ارتقت لأجلهم والافئدة التي سمجت
بامرهم والاديان التي حضرت وادلت في سبيلهم وللا عند الارض حلت على الارض
والعناق والسلك التي وصفت على الارض والرموز والرموز والاعراض التي تلو
انوار ذلك ام تناسوا الامم غير كفى الدم على سبيلهم رسول الله ام انبت
انما الدنيا في وجبتي شرم جديد لهم والخميس في اهل بيتهم ادلا يعلمون ان ذلك
يرصن شأنهم وكبريتهم ولا يقع لهم وقع في العلو و لا يبالون بالعدو ونحو
عليهم السعة ويكفون ذلك حجة عليهم فماذا يتولون اذا اتقى الله ورسوله عليهم
يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم التي مشوا بها الى مجلس الرضا

۲۲۲

فلیدعوا اليوم بثور الثريا ولقد مجبت الحوزة العلية وتعبنا من ذلك فان المجابدين اذ صعدوا^{سنة}
كادوا في الرعي الدول وهم اليوم في الصف الاول من الداعين اذ لم يسمع منا من يدعوا^{صحة}
حضورنا بل من كان منهم يادى زير يد عن مولانا امير المؤمنين^{فضل}
صركه المصدري قصم ظهر من رحلدين عالم تراثك وجايل تفنك ولقد سمعنا
استكادكم السديد منهم فلا زلتهم مؤرا وما زلت مؤمرا بامامكم وسيدكم في كل حال
سنة ١٣٥٥ هـ
سعدي



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی